

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان

چشمک چرانی



حاجی ما ، دایماً ، چشمک چرانی میکنه
شصت و سه ساله شده یاد جوانی میکنه
گرچه با مردان نشسته هوش و فکرش بر زنان
ورد خوانده ، خوبرویان را نشانی میکنه
نوجوانان را بغل میگیره با ماچ و ملوچ
خوشگلان را بوسه های ناگهانی میکنه
گاهی چون مرغان تخمی میکنه قد قد قُتاس
چون بگیل بودند ، نامهربانی میکنه
گوشه ای بنشسته با حاجی و خارنوال خود
ساجقی را می جوّه ، کج کج دهانی میکنه
خپ خپک داره نظر ، بر صحنه میدان رقص
شانه هایش می پره ، کاغذ پرانی میکنه
پر ز میوه کرده بشقاب بزرگی ، بر دو دست
سوز داده می بره ، نامیزبانی میکنه
عکس زیبائی گرفتم ، از جنابش ناگهان
تا به سایت انترنت ، پرتو فشانی میکنه

تار خام چیلکش را چنگک ما کنده کرد
 بی گره با مکر ، پیوند زبانی میکنه
 میگه من از صنف سه و چار ، کردم شاعری
 روز و شب طبعم ز خوبان ، پشتیبانی میکنه
 دایماً ، نژد پولیس و سوسیال و داکتر
 گلرخان را چشم شوخش ، ترجمانی میکنه
 حال ، بیکار است و پشت کار میگرده چنان
 هرچه پیش آمد به شوق و ذوق ، آنی میکنه
 مرده شویی پیشه داره ، ختنه کردن آرزو
 گر موفق گشت ، کار جاودانی میکنه
 گر شود پنچر غراضه موترش با خار عشق
 شکر گفته هر طرف ، لولک دوانی میکنه
 انتقادی کرده بر ما ، تلخ و تند و بی نمک
 با دروغ شاخدارش ، دل کفانی میکنه
 گفتت ! در برنامه ای که ، خانواده نام او
 آرزو دارد که با من ، پهلوانی میکنه
 ما که نامحرم شدیم از محرمی گلرخان
 محرم کاذب ، خیال کامرانی میکنه
 چون زلیخا ، بس تجاوزگر شده بر عاجزان
 یوسف طبع مرا ، دامن درانی میکنه
 همچو لیلی می فروشه ناز ، بر مجنون ها
 کاروان نقد شانرا ، ساربانی میکنه
 از بُن هر نکته اش خار جفا و بغض و کین
 نیش توهینی به دل ، هردم خلانی میکنه
 هتک حرمت کرده بی باکانه بهر انتقام
 خوش ، دل دلداده ای ، مجنون ثانی میکنه
 خط زدم از دفتر خاطر نشان و نام شان
 تا عذرخواهی ازین ، بیچاره فانی میکنه
 نقد از حاجی و قاضی ، گرچه باشد نادرست
 غولک تقدیر ما سنگدل پرانی میکنه
 « نعمت » از زهر زبان شیخ و ملا بر حذر
 رنگ زرد شاعران را زعفرانی میکنه